

مقدمه

با ارجاع پرونده هسته‌ای کشورمان به وزارت امور خارجه، بار دیگر، اهمیت و جایگاه این نهاد در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران افزون‌تر شده است. تحرک دستگاه دیپلماسی به‌ویژه تلاش‌های وزیر محترم امور خارجه، دکتر ظریف، رغبت و امید عمومی ایرانیان به سیاست خارجی کشور را افزایش داده است. در این راستا، بهره‌گیری دکتر ظریف از شبکه‌های اجتماعی جدید، با ارائه تصویری معقول و منطقی از دولت جمهوری اسلامی ایران، اقدامی در جهت غیرامنیتی‌سازی از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان به‌شمار می‌رود.

پدیده جهانی شدن، سبب بروز تحولی عمده در ساختار قدرت بین‌المللی شده و انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی به‌عنوان پدیده‌ای ملموس و فراگیر، تأثیر بسزایی بر منابع قدرت کشورها گذاشته است. در این چارچوب، قدرت نرم‌افزاری به‌گونه‌ای محسوس در اقصای مردم از طریق برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی اثرگذار می‌باشد. به‌عبارت دیگر با پیشرفت فناوری ارتباطات و از بین رفتن فاصله‌های مکانی و زمانی در جهان کنونی، دیگر روابط بین کشورها محصور و محدود به حاکمیت دولت‌ها نیست، بلکه در عرصه جدید، علاوه بر دولت‌ها، افکار عمومی کشورها یا به تعبیر بهتر، افکار عمومی جهانی نیز به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار شناخته شده و در برنامه‌ریزی‌های روابط بین‌الملل منظور می‌گردد. دنیای نوین، امتیاز ویژه‌ای برای اقصای، آشکارسازی، گشودگی و ایجاد ائتلاف در مقابل استفاده از زور، قائل است.

جایگاه دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

از دیرباز، دیپلماسی متداول‌ترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشورها به‌شمار می‌رود و به‌رغم اختلاف نظر در رابطه با دامنه و ماهیت دیپلماسی، مطلوبیت به‌کارگیری آن مورد اجماع تحلیلگران و سیاستمداران می‌باشد. برای مدت‌های مدیدی در روابط بین‌الملل، دیپلماسی سنتی که از طریق ارتباطات میان‌دولتی مدیریت شده و عمده وظایف آن برعهده وزارت امور خارجه کشورهاست، مسیری در برابر تلاش‌های نظامی و راهبردی بازیگران بین‌المللی تعریف می‌گردید. لکن به علل گوناگونی نظیر انقلاب اطلاعات و جهانی شدن ارتباطات، امروزه کشورهای قدرتمند و صاحب‌نفوذ جهانی، پیش از آنکه اهداف و غایات خود را از طریق دیپلماسی سنتی و یا ابزار نظامی دنبال کنند، در پی بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌تر و نوین‌تری می‌باشند. تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورهای هدف و به‌طور کلی توجیه اقدامات دولت‌ها برای افکار عمومی از یک‌سو و تأسیس، گسترش و فعال‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد و موجودیت‌های غیردولتی از سوی دیگر، اشکال جدیدی از دیپلماسی را موجب شدند که از جمله آنها می‌توان به دیپلماسی رسانه‌ای اشاره کرد.

نیل به اهداف و اصولی که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت - ملت در نظام بین‌الملل کنونی دنبال می‌کند، از طریق دیپلماسی سنتی و مراودات رسمی صرف ناممکن است. به‌عبارت روشن‌تر، اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که منبعث از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است، فراتر از مناسبات رسمی دولت‌ها را مدنظر داشته و اهمیت ویژه‌ای برای گروه‌ها و موجودیت‌های غیردولتی قائل می‌باشد. ازاین‌رو، خصلت دولت‌محور دیپلماسی سنتی و متعارف

مشکلاتی را در پیگیری اهداف مذکور در قانون اساسی کشور به وجود می‌آورد. این امر فعالین و مسئولین عرصه سیاست خارجی کشور را نسبت به ضرورت به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای نوین دیپلماسی رهنمون می‌سازد.

آمریکا و امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران

شرایط فعلی در عرصه بین‌المللی و میراث به‌جای مانده از دولت‌های پیشین، به‌ویژه درباره مباحث مربوط به انرژی هسته‌ای و حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران را در مقابل تهدیدات ایالات متحده آمریکا و متحدینش قرار داده است. امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران رویکرد غالب ایالات متحده آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری اوباما بوده است. رهبران کاخ سفید با توجه به تداوم بحران اقتصادی سرمایه‌داری که ضرورت کاهش هزینه‌های نظامی را آشکار می‌سازد و همچنین تجارب ناموفق مداخلات نظامی پیشین آمریکا در منطقه، سعی در معرفی نمودن ایران به‌عنوان یک تهدید جهانی دارند تا از این رهگذر، هم یک ائتلاف جهانی را علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز کشورمان تشکیل دهند و هم هزینه‌های هر نوع برخورد نظامی احتمالی با ایران را با رقبایشان تسهیم نمایند.

یکی از تاکتیک‌های آمریکایی‌ها جهت تهدید جلوه دادن برنامه هسته‌ای ایران، برقراری ارتباط مصنوعی میان دستاوردهای گوناگون نظامی کشورمان می‌باشد. به‌عنوان مثال، ترجیح منطقی مقامات تهران مبنی بر تولید داخلی موشک‌های دوربرد با بهره‌گیری از سوخت جامد، جهت حفظ بازدارندگی ملی، موجب شده است تا فعالیت‌های هسته‌ای ایران را نظامی تصور کنند. درحالی که ساخت موشک‌های دفاعی متعارف ارتباطی با فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی ایران ندارد. گفتمان اوباما بر اصل انعطاف‌پذیر نشان دادن خود و غیرمنعطف نشان دادن ایران استوار می‌باشد. از این رو، هم در مواقعی فرستادن پیام‌هایی به ملت ایران در اولویت قرار دارد تا روحیه مقاومت ملی را تضعیف سازد و هم با تفرقه‌اندازی میان دولت و ملت ایران بیش از پیش چهره نظام جمهوری اسلامی را به‌عنوان نظامی غیرمردمی و غیردمکراتیک معرفی نماید. در سطح منطقه‌ای نیز همکاری نزدیک با رقبای ایران نظیر عربستان سعودی و ترکیه در دستور کار واشنگتن قرار گرفته است. در این راستا، هسته‌ای شدن ایران به‌عنوان سرآغاز مسابقه تسلیحاتی در منطقه تصویر می‌شود که به ضرر این کشورهاست. اگرچه این ادعا بدین‌گونه می‌تواند رد شود که چگونه کشورهای اسلامی منطقه در حدود شصت سال با سلاح هسته‌ای رژیم صهیونیستی به حیات سیاسی خود بدون تلاش برای دسترسی به تسلیحات هسته‌ای ادامه داده‌اند؟!

سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد، نیز با برجسته کردن وجوه اختلاف میان ایران و غرب و اصطلاحاً پیگیری سیاستی تهاجمی علیه اسرائیل و آمریکا، ناخواسته به امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران کمک کرده است. تأکید دولت ایران بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خویش در فضای تنش‌آمیز موجود، زیاد مثمرتر نبوده و نتوانسته است از برنامه اتمی و چهره خود در نظام بین‌الملل غیرامنیتی‌سازی کند. با توجه به ارائه چنین تصویر خشن و غیرواقعی‌ای از ایران، برقراری ارتباطی سازنده با جامعه بین‌المللی، توسعه صادرات، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و گسترش مناسبات همه‌جانبه، کاری بس دشوار می‌نماید. این واقعیت حاکی از اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای و لزوم به‌کارگیری آن جهت بهبود تصویر ایران در سطح جهانی و مقابله با تلاش‌های رسانه‌های بیگانه در خدشه‌دار کردن چهره جمهوری اسلامی ایران، می‌باشد.

اینترنت و تصویرسازی

در نتیجه تحولات موجود در نظام بین‌الملل، دیپلماسی بین کشورها نیز نسبت به گذشته کاملاً تغییر کرده است. پیش از بروز چنین تحولاتی، روابط دیپلماتیک تقریباً بین دولت‌ها و حاکمیت‌ها در جریان بود و شهروندان و افراد عادی زیاد در محاسبات آن منظور نمی‌گردیدند، اما امروزه نه تنها شهروندان دو کشور بلکه همه دولت‌ها، افکار عمومی جهانی و حتی سازمان‌های بین‌المللی در محاسبات سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک (حتی در دیپلماسی دوجانبه) لحاظ می‌شوند. به بیان دیگر هم اینک، فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گستره دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه روزنامه‌ها، شبکه‌های اینترنتی، تلویزیون‌ها و رادیوهای جهانی گسترده‌اند. این همان عاملی است که در عصر جامع اطلاعاتی، فضای روابط متقابل دیپلمات‌ها و رسانه‌ها را الزامی ساخته است. فضایی که پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تأثیرگذاری تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. در این راستا، کشورها برای شرکت در این عرصه عمومی و حتی برای مقابله با آن، به بهره‌گیری از ابزارهای جدید و فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی نیازمند هستند. در نتیجه چنین تحولاتی استفاده از اینترنت جهت تصویرسازی واقعی و مثبت از دولت - ملت ایران ضروری است. در این شرایط، استفاده از شبکه‌های اینترنتی در راستای تصویرسازی دیپلماسی فرهنگی، ارزان‌ترین و یکی از مؤثرترین راه‌های تأثیرگذاری فرهنگی است. یکی از اقداماتی که در این راستا می‌تواند صورت بگیرد، طراحی و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی قوی و معتبر به زبان‌های زنده دنیا به‌ویژه انگلیسی است. در این عرصه، سه مسئله برنامه هسته‌ای کشورمان، حقوق بشر و تروریسم از مهمترین حوزه‌هایی هستند که می‌توان با ارائه اطلاعات صحیح به مخاطبین، موجب ارتقای چهره مثبت و واقعی از ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران شد.

نتیجه‌گیری

در عصر اطلاعات، قدرت نرم بیش از قدرت سخت، متقاعدکننده و جاذبه‌آفرین است. در چنین شرایطی بهره‌گیری از جریان‌های اطلاعاتی به‌منظور انتقال ارزش‌های فرهنگی و تصویرسازی مثبت از کشورمان جهت تأمین منافع ملی و اسلامی، ضروری به‌نظر می‌رسد. در دوران موجود، ابزارهای رسانه‌ای نقش مؤثری در گسترش ارتباطات میان کشورهای مختلف ایجاد می‌کنند، طبیعی است که در چنین شرایطی امکان بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی همچون شبکه‌های اینترنتی از اهمیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌باشد. از این‌رو، دیپلماسی رسانه‌ای، جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها دارد و ابزاری با قابلیت بالا و مقرون به‌صرفه جهت تأمین منافع و امنیت ملی دولت‌ها به‌شمار می‌رود. این نوع از دیپلماسی، قابلیت و توانایی ترکیب جسارت و احتیاط را با هم دارد، زیرا بهره‌برداری از فرصت‌های نوین و ترویج منافع ملی را بدون برانگیختن و ناخشنود ساختن سایر کشورها دنبال می‌کند. بنابراین، ضروری است که تلاش‌ها و اقدامات مورد نیاز در چارچوب دستگاه دیپلماسی کشور (دیپلماسی سنتی و نوین) جهت هدف واحد غیرامنیتی‌سازی از ایران هماهنگ و متمرکز گردند. در بخش دیپلماسی رسمی، بازتعریف نقش وزارت امور خارجه و همکاری مناسب آن با مجلس شورای اسلامی حائز اهمیت می‌باشد و در بخش دیپلماسی عمومی، به‌کارگیری یک دیپلماسی فعال رسانه‌ای، جهت تصویرسازی مثبت و ارائه چهره ملی شایسته و به حق از جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی ضروری است. دیپلماسی رسانه‌ای، مهمترین ابزار مقابله با هجمه‌هایی تبلیغاتی غرب و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که سعی دارند تصویری هولناک، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد از جمهوری اسلامی ایران ترسیم نمایند، زیرا امروزه افکار عمومی داخلی و بین‌المللی به یک عامل مهم در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها تبدیل شده است و کشوری که بتواند در این عرصه موفق عمل نماید، حتی با وجود ضعف نظامی و اقتصادی، کمتر در معرض تهدیدات امنیتی قرار خواهد گرفت.